

محمدعلی ابطجی؛ مجلس در پیامدهای بودجه شریک دولت است

هم‌زمان با تقدیم لایحه بودجه از سوی دولت به مجلس، نشانه‌هایی از تشدید اصطکاک سیاسی میان قوه مجریه و قوه مقننه نمایان شده است؛ اصطکاک‌ی که تنها به اعداد و ارقام بودجه محدود نمی‌شود؛ بلکه حول بحث ترمیم ترکیب کابینه و احتمال استیضاح برخی وزرا شکل گرفته و به‌طور معناداری با تقویم بررسی بودجه در مجلس تلاقی یافته است.
اگر ایران نوشت: در روزهای گذشته، اظهارنظرهای محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس درباره ضرورت اصلاح یا تغییر در آرایش کابینه، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌ای داشته است. بسیاری از تحلیلگران این موضع‌گیری را نه یک اظهارنظر صرف، بلکه بخشی از فشار سیاسی بر دولت در آستانه بررسی بودجه ارزیابی می‌کنند؛ فشاری که می‌تواند هم بر مسیر تعامل دو قوه اثرگذار باشد و هم آینده برخی اعضای کابینه را در هاله‌ای از ابهام قرار دهد.
در سوی دیگر، مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری پیش‌تر در دیدار با جمعی از فعالان سیاسی بر این نکته تأکید کرد که نگاه دولت، اصلاح درون ساختاری است و برنامه‌ای برای تغییرات گسترده در کابینه وجود ندارد. در همین شرایط لایحه بودجه نیز به تازگی تقدیم مجلس شده و نمایندگان در آستانه ورود به مرحله بررسی جزئیات آن قرار دارند. از همین‌رو، گروهی از کارشناسان معتقدند طرح هم‌زمان موضوع استیضاح و تغییرات کابینه با فرآیند بودجه، حامل پیام‌های سیاسی روشنی است و می‌تواند بخشی از سازوکار چانه‌زنی قدرت میان دولت و مجلس تلقی شود.

۱. دولت و مجلس توضیح دهند

یک فصل سیاسی اصلاح‌طلب با اشاره به زمانی‌که طرح بحث ترمیم کابینه و استیضاح وزرا با بررسی لایحه بودجه در مجلس، اظهار داشت: چنین تقارنی می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری مشترک دولت و مجلس منجر شود. محمدعلی ابطجی، گفت: من از اتفاقی که افتاده استقبال می‌کنم، به این دلیل که در فرآیند بودجه، مجلس هم دچار اشکال و اعتراض است و اگر در آینده مشکلاتی برای کشور به وجود بیاید، مجلس نیز در آن شریک خواهد بود و دولت به‌تنهایی مسئول نخواهد بود. این‌گونه هر دو نهاد می‌توانند به‌صورت مشترک پاسخ‌گوی مردم باشند. رئیس دفتر رئیس جمهوری دولت اصلاحات تأکید کرد که این مسئولیت مشترک باید به‌صورت شفاف به افکار عمومی منتقل شود. وی افزود: هم دولت و هم مجلس باید به مردم توضیح بدهند که در چه حوزه‌هایی ورود کرده‌اند و نتایج رفتارشان در بودجه چه بوده است. وقتی نتایج رفتار مشخص باشد، طبیعتاً پاسخ‌گویی هم باید به وجود داشته باشد. این فعال سیاسی در ادامه به موضوع استیضاح با تغییر وزرا پرداخت و بیان کرد: من معتقدم اگر دولت واقعاً تشخیص بدهد که برخی افراد ناکارآمد هستند یا گزینه‌های بهتری را می‌شناسد، تغییر آنها به نفع دولت است.
باها هم تأکید کرده‌ام که کنار گذاشتن نیروهای ناکارآمد، به‌ویژه اگر جایگزین‌هایی با اعتبار کاری و هم‌نظر با رویکرد آقای دکتر پزشکیان وجود داشته باشند، می‌تواند به تقویت عملکرد دولت کمک کند. ابطجی با اشاره به ضرورت پرهیز از تقابل میان دولت و مجلس تصریح کرد: به نظر من به جای تخصص، بهتر است دولت و مجلس دست‌کم در موارد مشترک، درباره افرادی که ضعف عملکرد دارند، با یکدیگر همکاری کنند و تلاش شود این ضعف‌ها از مجموعه دولت حذف شود. البته اولویت با این است که خود دولت پیش‌قدم شود، چرا که هرگونه تنش می‌تواند جامعه و افکار عمومی را آسیب‌پذیر کند.

۲. وفاق دوطرفه

ابطجی در واکنش به اظهارات اخیر رئیس مجلس که از احتمال استیضاح در صورت عدم ترمیم کابینه سخن گفت، اظهار کرد: دولت چهاردهم با شعار وفاق ملی روی کار آمده و آقای پزشکیان هم تأکید زیادی بر این شعار داشته است. اما متأسفانه در عمل، در بسیاری از موارد این وفاق یک طرفه بوده؛ یعنی دولت آن را مطرح کرده، اما جناح مقابل عملاً آن را نپذیرفته است. وی گفت: اگر قرار است وفاق نتیجه‌بخش باشد، باید دوطرفه باشد. جناح مقابل هم باید این رویکرد را بپذیرد. نمی‌شود فقط از یکطرف قانونی انتظار داشت که مدام بر وفاق تأکید کند، در حالی‌که رفتارهای طرف مقابل در تضاد با این رویکرد باشد. استفاده از ادبیات تقابلی و کلماتی از این جنس، به نفع فضای سیاسی کشور نیست. این فعال سیاسی با تأکید بر وظایف قانونی مجلس تأکید کرد: مجلس وظیفه حقوقی خودش را دارد و می‌تواند از ابزارهای نظارتی استفاده کند، اما مهم این است که این اقدامات در زمانی انجام شود که واقعاً به نفع مردم باشد. ابطجی با اشاره به مسئولیت دولت تصریح کرد: از طرف دیگر، اگر دولت مواردی را شناسایی کرده که تغییر آنها می‌تواند به نفع مردم باشد، نباید در انجام این تغییرات تعلل کند. تعویق در تصمیم‌گیری، در نهایت به زیان دولت و جامعه تمام می‌شود.

«آرمان ملی» طرح مجلس برای سوال از رئیس‌جمهور را بررسی می‌کند

بهبانه اقتصادی یا تسویه حساب سیاسی؟

◀ جواد امام: رئیس‌جمهور از ظرفیت اصل ۱۱۳ قانون اساسی استفاده کند



چه دخالتی در امور اجرایی کشور می‌کنند. کاش بگوید برای مدیرانی که آقای رئیس‌جمهور آنها را صالح می‌داند چه کارشکنی‌هایی که نکرده‌اند.» به نظر می‌رسد زمان آن رسیده تا پزشک‌یان به اتوبیان یکطرفه وفاق خود با مجلس پایان دهند تا پیش از این بهارستان نشینان دولت را در مضیقه قرار ندهند.

۱. پیشنهادی به پزشک‌یان

دخالت‌های بی‌جای برخی نمایندگان و مجلسی‌ها در امور اجرایی و فشار به دولت در جهت انتصابات باعث شده تا بسیاری مساله تفکیک قوا را یادآور شوند و خواستار آن باشند که رئیس‌جمهور در جایگاه دومین مقام کشور و پاسدار قانون اساسی اجازه تعدی و دخالت به سایرین را در امور اجرایی کشور ندهد. چه اینکه برخی معتقدند همین نگاه وفاقی باعث شده تا عده‌ای به خود جرأت دهند واز اصل تفکیک قوا فراتر رفته و در امور اجرایی هم دخالت کنند. در همین راستا جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات ایران در حساب‌کاری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «جناب آقای دکتر پزشک‌یان بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. همچنین مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه مستقل از یکدیگرند. با این حال، با توجه به عدم رعایت عملی این اصل از سوی قوه مقننه و دخالت‌های مکرر و فزاینده نمایندگان مجلس در امور اجرایی، این پرسش جدی مطرح است که آیا زمان آن نرسیده است از ظرفیت اصل ۱۱۳ قانون اساسی استفاده کرده و تذکر یا احطار قانون اساسی صادر شود؟ به نظر می‌رسد مداخلات و پرهیز جناب‌عالی از برخورد‌های قانونی و مقتدرانه، نه‌تنها مانع این روند نشده، بلکه مجلس را امروز به مرحله طرح سؤال از رئیس‌جمهور رسانده است؛ وضعیتی که می‌تواند استقلال قوا و کارآمدی قوه مجریه را بیش از پیش با چالش مواجه سازد.»



«امارات و عربستان سعودی هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند و هر یک می‌خواهند به اربابان آمریکایی و اسرائیلی خود ثابت کنند که صلاحیت اداره این مناطق را دارند. بنابراین اگر دور جدیدی از تجاوزات علیه دولت صنعا آغاز شود، هدف جلب رضایت آمریکا و اسرائیل توسط امارات و عربستان سعودی است. حمایت امارات از برخی مزدوران یمنی باعث شده آنها برای عادی‌سازی با اسرائیل و آغاز جنگ علیه صنعا اعلام آمادگی کنند و از دشمن صهیونیستی تمکین کنند و به این ترتیب به دشمن اجازه دهند که در خاک یمن برای خود جایی باز کند.»

۲. خدشه به اعتبار سعودی‌ها

ناظران منطقه‌ای معتقدند که عقب‌نشینی ریاض از مواضع خود در یمن پیامدهای روشنی برای نقش تاریخی سعود در یمن و حتی پیامدهای برای جایگاه منطقه‌ای آن در پی خواهد داشت. این درحالی است که به‌طور تاریخی یمن حیط خلوت عربستان محسوب می‌شود. نکته اینجاست که این بار موقعیت عربستان توسط انصرا... نبوده و توسط کشوری است که داعیه برادری با سعودی دارد و در ائتلاف علیه صنعا همراه بود. البته به این مورد هم باید اشاره کنیم که درگیری بین دوطرف محدود به یمن نیست؛ بلکه به سایر مناطق منطقه، از جمله شاخ افریقا، جایی که امارات متحده عربی به‌دنبال تقویت نفوذ استراتژیک خود در دریای سرخ است، نیز گسترش یافته است.

همچنان که اشاره کردیم جنگ در یمن ادامه دارد ولی این بار بدون دخالت حوثی‌ها. تحولات اخیر در جنوب یمن که طی آن نیروهای اماراتی موفق شدند مناطق تحت کنترل شبه‌نظامیان عربستانی را به اشغال درآورند اختلاف‌ها را شدت بخشیده است. سقوط سریع مناطق تحت کنترل نیروهای مورد حمایت عربستان با عنوان «درع الجنوب» در دو استان المهره و حضرموت در جنوب یمن باعث شد که مطرح کرده که ریاض در این ماجرا از امارات فریب استراتژیک‌ی خورده است. موفقیت نیروهای اماراتی در کنترل بر بخش بزرگی از یمن ثابت کرد که ابوظبلی برای ریاض

«آرمان ملی»، اختلاف‌های ریاض- ابوظبلی را تحلیل می‌کند

خدشه به نقش تاریخی سعودی‌ها

است و بخشی از تلاش گسترده‌تر ریاض و ابوظبلی برای تثبیت نقش خود به عنوان قدرت‌های محوری جهان عرب است. هر دو کشور می‌کوشند توانایی خود در صحنه‌ای برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان بازیگران منطقه‌ای نیز بدل شده است. در این میان، تشدید اختلافات میان عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر سر کنترل و نفوذ در برخی مناطق استراتژیک یمن، به‌ویژه در جنوب این کشور، نشانه‌ای آشکار از تغییر ماهیت ائتلاف عربی و تبدیل آن از یک همکاری نظامی به یک رقابت سیاسی- امنیتی است. این تحولات نشان می‌دهد که یمن دیگر صرفاً میدان نبرد ائتلاف‌ها با حوثی‌ها نیست، بلکه به عرصه‌ای برای نمایش قدرت، مدیریت بحران و تثبیت جایگاه ائتلاف عربی و تبدیل عربی تبدیل شده است. باید به این مورد هم اشاره کنیم که ائتلاف به رهبری عربستان که در سال ۲۰۱۵ با هدف بازگرداندن دولت «منصور هادی» و مهار نفوذ سایر کشورهای منطقه در یمن شکل گرفت، درابتدا از حمایت کامل امارات برخوردار بود. اما به تدریج اختلاف در اهداف، اولویت‌ها و منافع راهبردی دو کشور آشکار شد. عربستان تمرکز خود را بر حفظ یک دولت مرکزی متحد در یمن و جلوگیری از فروپاشی کامل این کشور گذاشته است، در حالی‌که امارات بیشتر به دنبال گسترش نفوذ خود در مناطق ساحلی، بنادر مهم و خطوط راهبردی دریایی است. حمایت امارات از شورای انتقالی جنوب و نیروهای محلی، عمل‌این کشور را در برابر نیروهای مورد حمایت عربستان قرار داده و تنش‌هایی جدی میان دو شریک سابق ایجاد کرده است. تحلیل‌گران منطقه‌ای معتقدند که این رقابت فراتر از خلیج فارس

۱. جنگ بین ضد‌یمنی‌ها

در حالی‌که آمریکا و متحدان منطقه‌ای همسوی با این کشور در ادوار اخیر تلاش داشتند که حوثی‌ها را عامل ناآرامی‌های منطقه بنامند، حالا درگیری بین دو چهره شاخص ائتلاف ضد‌یمنی به چالشی اصلی تبدیل شده است. در این مورد صنعا تحولات اخیر در جنوب یمن را از نزدیک تحت‌نظر دارد و آن را بخشی از جنگ و تجاوز دشمنان علیه یمن می‌داند. در حقیقت دولت قانونی مستقر در صنعا این تحولات را بخشی از نبرد آزادی بخش ملی محسوب می‌کند و هرگونه نقض حاکمیت یا وحدت ملی یمن را محکوم می‌کند و تأکید می‌کند که تنها راه پایان دادن به این هرج و مرج‌ها و درگیری‌ها، آزادسازی این مناطق از شر نیروهای اخیر در جنوب یمن و امارات است. اسامه الفران، یکی از فعالان رسانه‌ای یمنی با انتقاد از برخی تحلیل‌های منتشرشده در روزهای اخیر در مورد اختلاف نظر امارات و عربستان بر سر پرونده یمن معتقد است؛

مجلس با تکیه‌گاه ۳ تا ۵ درصدی درد جامعه راه درستی احساس نمی‌کند

صد او سیما در قعر جدول مخاطب‌پذیری است

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، بیان کرد: طرح «قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» از تصویب قانون اساسی ایران ۴۵ سال می‌گذرد؛ میثاقی که با رأی ملت مشروعیت یافت. از ابتدای انقلاب تا به امروز، فعالیت‌های رسانه‌ای ایران، به‌ویژه در آن بخشی که به امر سیاست، نقش‌پذیری مردم و مأموریت نخبگانی مربوط می‌شود، همواره درگیر تنازع و سوء تفاهم بوده است. خبرانلین نوشت: محمد عطریانفر، گفت: در آغاز انقلاب، امنیت و اعتماد فراگیری نسبت به دستگاه رسانه ملی کشور وجود داشت و مردم در نوع گزاره‌ها و حوادث و اطلاعات منتشره، نگاه اعتمادآمیزی به رسانه ملی داشتند. هر آنچه از بنگاه رسمی خبری‌راکی نظام به سمع و نظر ملت می‌رسید، مردم صمیمانه و با اعتماد کافی هم به آن توجه می‌کردند و هم نسبت به آن، همسو با تدابیر و منویات نظام، جهت‌گیری مثبت داشتند. اخبار نوعاً برای مردم امنیت‌آفرین بود و انتقال پیام از دستگاه رسمی رسانه کشور، پل ارتباطی مطمئن میان جامعه، به‌ویژه قشر نخبگانی، جامعه سیاسی و بدنه حاکمیت محسوب می‌شد. این فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: اما از مقطعی تا امروز آن ظرفیت اعتماد‌برانگیز و امنیت‌رسانه ملی دچار آسیب شد و کاهش اعتبار پیدا کرد. به موازات این وضعیت، در کنار این ماجراها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای شکل گرفتند و با انقلاب دیجیتال، این روند روبه‌رو قدرتمند و نیرومند شد و ارتباطی تنگاتنگ با جامعه مخاطب برقرار کرد. وی با بیان اینکه در طول این سال‌ها، بارها از سوی نخبگان سیاسی این تذکر به مقامات مسئول در حوزه تقنین و دولت منتقل شد که در تفسیر بسته و مضیق شورای نگهبان در این حوزه باید تجدیدنظر شود و این انحصار برداشته شود، بیان کرد: اگر حاکمیت و شورای نگهبان به این موضوع توجه می‌کردند، می‌شد زمینه‌ای فراهم شود تا سیاست‌های رسمی کشور از طریق قبض و بسط نظام رسانه ملی یعنی صداوسیما، به رسمیت شناخته شود و در عین حال اجازه داده شود بخش خصوصی رسانه نیز بتواند تولید محتوا داشته باشد. عطریانفر با بیان اینکه در این چارچوب، ضمن ایجاد میدان فراخ تولید محتوا توسط بخش خصوصی رسانه، اما نظارت کلی در چهارچوب منویات و خطوط قرمز سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و امنیتی نظام برای رسانه ملی حفظ می‌شد، خاطرنشان کرد: شاید بیش از ۳۰ سال، آسیب‌شناسی این دغدغه ضرورت و ضرورت رفع عارضه‌های آن را بارها از سوی جامعه سیاسی و نیروهای حرفه‌ای حوزه رسانه مطرح شده، ولی گوش شنوایی برای عبور منطقی از این بن‌بست وجود نداشته است. بدیهی است وقتی نهاد قدرت به جای حل مساله، صورت مساله را پاک می‌کند و به آن توجهی ندارد، شبکه‌های اجتماعی بدون هیچ‌گونه ضابطه‌ای تکثیر یافته و قدرت پیدا می‌کنند. امروز اگر نظرسنجی انجام شود، صداوسیما با وجود شبکه‌های متعدد در قعر جدول مخاطب‌پذیری قرار دارد. وی گفت: با توجه به این نگاه منفعلانه و خسارت‌باری که در طول این ۲۵ سال شاهد آن بوده‌ایم، اکنون شبکه‌های اجتماعی قدرتمندتر از نهاد رسمی رسانه ملی، به‌صورت کاملاً پیش‌تا و حتی گاه ساختارشکن، فعالیت خود را پیش می‌برند.

۱. تندروها و کویدین آب!

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران تأکید کرد: اگر پارلمان و نمایندگان مجلس در طرح جدیدی که در حال پیگیری آن هستند، به سمتی بروند که این فرآیند روبه تزاید ۲۵ ساله تولید محتوا در حوزه دیجیتال، شبکه‌ها و کانال‌های اجتماعی را با سیاست‌های انقباضی اعمال کنند، این رویکرد هیچ‌گاه نتیجه و ثمری برای کشور نخواهد داشت. وی افزود: مگر آنکه گذشته را چراغ راه آینده بدانند و واقعیت را بپذیرند و اجازه دهند به موازات نهاد رسمی رسانه‌ای کشور، یعنی صداوسیما، کسانی‌که علاقه‌مندند، چه در بخش‌های اجتماعی و چه در بخش‌های سیاسی، شبکه‌های رسمی تلویزیونی ایجاد کنند. تولید محتوا داشته باشند و مخاطب‌پذیر شوند. در عین حال، همان ضوابط مصوب را رعایت کنند، جامعه با پیام‌ها و صداهای دیگر و محتوای متضاد مواجه خواهد شد و حق انتخاب خواهد داشت. وی ادامه داد: اگر چنین اقدامی صورت بگیرد، طبیعتاً شبکه‌های اجتماعی متکثر، خودبه‌خود به سمت ائتلاف و تجمعیم حرکت می‌کنند و در دل این شبکه‌های مردمی رسانه‌ای که به موازات صداوسیما ایران شکل می‌گیرد، می‌توانند خلق اثر کنند و اثرپیش‌باشند، اما اگر قرار باشد همچنان فقط یک نهاد رسمی ذیل نام صداوسیما ملی وجود داشته باشد و هیچ شبکه دیداری و شنیداری دیگری حق حضور و تأسیس نداشته باشد و در عین حال شبکه‌های عمومی به‌صورت گسترده و خارج از تدابیر منطقی و غیرمؤدقند تأثیرگذاری اجتماعی پیدا کنند، اقدام جدید مجلس ناکارآمد و بی‌اثر بوده و جامعه مولد رسانه‌ای کشور در برابر آن مقاومت خواهد کرد. این چهره سیاسی اصلاح طلب با بیان اینکه تجربه فیلترینگ اینترنت نیز همین را نشان می‌دهد، تصریح کرد: سیاست‌های انقباضی اعمال شد، فضا بسته شد، اما جامعه مقاومت کرد و از طریق فیلترشکن دسترسی‌های خود را تأمین کرد. اگر این سیاست‌ها شدیدتر و سنگین‌تر رهم بشود، باز نتیجه همان خواهد بود. عطریانفر با اشاره به مطالبه مردم درباره رفع فیلترینگ، گریزی به مخالفت افکار عمومی با طرح صیانت مجلس بازدم و لایحه مقابله با انتشار اخبار خلاف واقع در فضای مجازی زد و عنوان کرد: ریشه این بیماری و این بی‌توجهی به این واقعیت برمی‌گردد که برخی تندروها هستند که با کسب رای اندک در نهاد قانون‌گذاری کشور نشسته و آب در دهان می‌گویند؛ آنان به واقع نمایندگان قاطبه عظیم ملت نیستند. افرادی که از ناحیه قبیله‌های سیاسی خود رای گرفته‌اند، توان پاسخگویی جامع به مطالبات شهروندان را ندارند. آن هم در جامعه‌ای که اقبال انتخاباتی به شدت کاهش پیدا کرده است، مجلسی که تکیه‌خاسته‌اش آرای ۵،۳ و یا حتی ۱۰ درصدی است، درد جامعه را به درستی احساس نخواهد کرد.